

مقاله پژوهشی: فراتحلیل کیفی مدیریت دانش و کارآفرینی

[20.1001.1.24234621.1400.11.44.8.7](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1400.11.44.8.7)

ناصر رحمدل^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

چکیده

هر چند پژوهش در مورد مدیریت دانش در سازمان‌های کارآفرین مورد توجه بسیاری از دانشمندان بوده است، اما بیشتر به‌طور مستقل (و نه در زمینه‌های سازمانی، جغرافیایی یا صنعتی) مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش که از نظر هدف کاربردی است، در پی ترکیب نقش زمینه‌های فعالیت (شرکت‌ها و سازمان‌ها) با تحقیقات مدیریت دانش و بررسی پیامدهای آن در کارآفرینی بوده و به این سؤال پاسخ می‌دهد که «مدیریت دانش (سرمایه‌گذاری روی دانش و فناوری شرکت‌ها و همچنین استفاده از سرریز دانش) چه نقشی در کارآفرینی دارد؟». همچنین، این پژوهش به بررسی نظام‌مند مقالات مربوط به تئوری سرریز دانش کارآفرینی، نظریه نوآوری باز و دیدگاه نهادی مدیریت دانش در سازمان‌های کارآفرینی و ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در زمینه دانش و سرریز دانش در صنایع مختلف و سطوح گوناگون فعالیت اقتصادی (فرد، شرکت، صنعت، دانشگاه، منطقه) می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف، آخرین مقالات معتبر خارجی منتشر شده در این حوزه با روش فراتحلیل کیفی و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی Maxqda2020 در شش گام بررسی و یافته‌های پژوهش در سه بخش، تحلیل روش‌شناسی پژوهش‌ها، تحلیل محتوای کیفی مقالات و یافته‌های پژوهش تبیین شده و در انتها نیز توصیه‌هایی برای پژوهش‌های آتی ارائه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت دانش متأثر از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی روی دانش است و هر دوی این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نوآوری در سازمان تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر نوآوری به خاطر ایجاد مزیت رقابتی در کسب‌وکار، اغلب پایه و اساس کارآفرینی است.

کلید واژه‌ها: کارآفرینی، مدیریت دانش، سرریز دانش، همکاری دانشی، فراتحلیل

پیچیدگی تغییرات جهانی در زمینه مدیریت دانش ضرورت تعامل مشترک بین حوزه‌های مختلف علمی را دوچندان کرده است. محققان و برنامه‌ریزان، علاقه‌مند افزایش ادراک و آگاهی ما از چالش‌های مربوط به سرمایه‌گذاری درون‌سازمانی در زمینه دانش و فناوری و همچنین شناخت ما از چگونگی دستیابی به دانش از طریق همکاری با شرکای برون‌سازمانی و سرریز دانش در محیط داخلی و زمینه‌های بین‌المللی هستند (ولتر^۱ و همکاران ۲۰۱۹). بخش عمده‌ای از دانش ما در مورد مدیریت دانش در سازمان‌های کارآفرین، مبتنی بر مطالعات مربوط به رشد درون‌زا (رومر^۲ ۱۹۹۴)، کارآفرینی استراتژیک (آگاروال^۳ و همکاران ۲۰۱۰؛ اودریش^۴ و همکاران ۲۰۱۵؛ گیو^۵ و همکاران ۲۰۱۵)؛ تجارت بین‌المللی و سرریز دانش کارآفرینی^۶ (ایسز^۷ و همکاران ۲۰۱۳) و نظریه نوآوری باز (وست^۸ و همکار ۲۰۱۴) است.

علاوه بر آن، استفاده از فناوری‌های دیجیتال، چشم‌انداز داخلی کشف و بهره‌برداری از دانش را در حد زیادی تغییر داده است (لی و همکاران ۲۰۱۶). همچنین، سرریز دانش، محیط کارآفرینی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط و سازمان‌های صنعتی متفاوت نموده است (کوراتکو^۹ ۲۰۲۰). با این حال، تحقیقات نسبتاً کمی در مورد کانال‌های مدیریت دانش در سازمان‌های کارآفرین، صنایع، شبکه‌ها و خوشه‌های محلی و محیط‌ها و زمینه‌های همکاری بین‌المللی صورت گرفته است (اودریچ ۲۰۱۵).

تحقیقات صورت گرفته در مورد مدیریت دانش در سازمان‌ها با خلق دانش در داخل سازمان، تولید دانش با شرکای بیرونی (تأمین‌کنندگان، مشتریان، گروه سازمانی، دانشگاه‌ها) و برون‌سپاری ایجاد دانش به همکاران یا مؤسسات همکار همپوشانی دارند. این امر جنبه‌های مثبت و منفی خاص خود را دارد (ریتلا و همکاران ۲۰۱۵) که مورد توجه بسیاری از

-
1. Welter.
 2. Romer.
 3. Agarwal.
 4. Audretsch.
 5. Ghio.
 6. knowledge spillover of entrepreneurship.
 7. Acs.
 8. West.
 9. Kuratko.

دانشمندان بوده است. این پژوهش به مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق، روش‌شناسی تحقیق، یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و پس از نتیجه‌گیری پیشنهادهایی را به پژوهشگران این حوزه ارائه نموده است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

دانش به‌مثابه کانال و وسیله‌ای است که کارآفرینان توسط آن می‌توانند دانش‌های سرریز شده را اخذ نمایند. همچنین دانش این امکان را به وجود می‌آورد تا دانش جدید در صنایع و بین صنایع مختلف (توسلی^۱ و همکاران ۲۰۱۷) سرازیر و منجر به پویایی و توسعه اقتصادی منطقه شود (کایازا^۲ و همکاران ۲۰۱۵).

نظریه سرریز دانش کارآفرینی مبتنی بر تئوری رشد درون‌زا (رومر ۱۹۹۴) بوده و به نقش کارآفرینان در تولید دانش و فرایند تجاری‌سازی می‌پردازد (اودریچو همکاران ۲۰۰۶). این نظریه توجه ما را به زمینه‌ای که در آن تولید و انتقال دانش اتفاق می‌افتد و همچنین به نقش «فیلتر دانش» به‌عنوان مانعی برای فعالیت کارآفرینی، معطوف می‌کند (اودریچو کیلیج ۲۰۰۷). برخلاف تئوری‌های رشد درون‌زا، نظریه سرریز دانش کارآفرینی ایجاد شرکت در یک فرایند درون‌زا را در پاسخ به در دسترس بودن دانش بلااستفاده، مورد توجه قرار می‌دهد (اودریچو همکاران ۲۰۰۶).

نظریه سرریز دانش کارآفرینی نقش مهمی در درک چگونگی تعامل انتشار دانش و همکاری دانشی برای شناسایی و فراگیری دانش جدید دارد. این در حالی است که منابع درونی و بیرونی دانش مدت‌ها است که به‌طور مستقل (هال^۳ و همکاران ۲۰۰۹، ۲۰۱۳؛ کاسیمان و والتینی^۴ ۲۰۱۶) و نه در ترکیب با مدیریت استراتژیک دانش (فریریا^۵ ۲۰۱۷) و نظریه سرریز دانش دانش کارآفرینی، (ایسس و همکاران ۲۰۱۳) مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش،

1. Tavassoli.
2. Caiazza.
3. Audretsch and Keilbach.
4. Hall.
5. Cassiman and Valentini.
6. Ferreira.

به منظور ترکیب این دو رشته از ادبیات، به جمع‌آوری مقالاتی پرداخته است که نظریه سرریز دانش کارآفرینی (به عنوان مثال شرکای خارجی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی یا با همکاری دیگران، سرمایه‌گذاری در کار خلاقانه، تأمین نیروی کار، همکاری دانشی) را ترسیم می‌کنند (بلیتسکی^۱ ۲۰۱۹).

همچنین، این مطالعه به بحث در مورد مرزهای دانش و حدود و ثغور سازمان‌های کارآفرین (بلیتسکی و همکاران ۲۰۱۹) و کشف و بهره‌برداری از دانش (کرزنر^۲ ۱۹۹۹) کمک نموده و موجب درک مفهومی جدید از ارزیابی و مدیریت دانش (پاول و گرووال^۳ ۲۰۰۵) و استفاده از آن توسط کارآفرینان (کایازا^۴ و همکاران ۲۰۱۹) می‌شود. نوشته‌های منتشر شده در این خصوص، نه تنها به درک چالش‌های نهادی منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه تولید دانش، ویژگی‌های صنعت و مدیریت دانش در سطوح فردی، تیمی، شرکت و صنعت، به همراه سرریز دانش و تجاری‌سازی دانش در داخل و سراسر مرزهای محلی، منطقه‌ای و ملی کمک می‌کنند، بلکه مورد علاقه اهل فن و سیاست‌گذارانی که در زمینه نوآوری و سیاست‌های صنعتی در سطح ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند نیز هستند.

پیوند مدیریت دانش و کارآفرینی

فعالیت‌های کارآفرینی برای تسهیل توسعه اقتصادی، به دانش موجود و جدید متکی هستند (ولتر^۵ و همکاران ۲۰۱۹). در حالی که برخی تئوری‌ها و یافته‌های تجربی در رابطه با کارآفرینی به بعضی زمینه‌های ملی و نهادی خاص (نه موارد دیگر) محدود می‌شوند. نظریه سرریز دانش کارآفرینی انواع زمینه‌های نهادی و صنعتی و همچنین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را شامل می‌شود (بروتون^۶ و همکاران ۲۰۰۸؛ آگاروال و همکاران ۲۰۱۰؛ اودریچو و بلیتسکی و همکاران ۲۰۱۳).

1. Belitski.
2. Kirzner.
3. Powell and Grodal.
4. Caiazza.
5. Welter.
6. Bruton.

نظریه سرریز دانش کارآفرینی به چگونگی استفاده کارآفرینان از اطلاعات و اینکه چرا سرمایه‌گذاری در زمینه دانش خود شرکت نباید همکاری کارآفرین با شرکای خارجی در زمینه دانش (وست و بوجر^۱ ۲۰۱۴؛ روبر^۲ و همکاران ۲۰۱۷) و دسترسی به سرریزهای دانش (اودریچ و کیلیچ ۲۰۰۷؛ هال و سنا^۳ ۲۰۱۷) را تضعیف کند، می‌پردازد. در اقتصاد دیجیتال جدید (اوسچونکا و اودریچ ۲۰۱۹) با آزادی عمل و سرعت بیشتر در جمع‌آوری و تبادل اطلاعات، سرمایه‌گذاری کمتر در زمینه دانش، بسیار مشکل‌ساز است. این امر می‌تواند بقا، بهره‌وری و نوآوری را به خطر انداخته و به کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری روی دانش جدید توسط بنگاه‌ها منجر شود.

شواهد نظری و تجربی موجود در زمینه مدیریت دانش در سازمان‌ها حاکی از آن است که تولید دانش در داخل یا از طریق سرریزهای دانش انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری روی تولید دانش داخلی برای تسهیل نوآوری و بهره‌وری (هال و همکاران ۲۰۰۹؛ دمیرچی‌اوغلو^۴ و همکاران ۲۰۱۹) ضروری است و با انجام این کار بنگاه‌ها موفق به جمع‌آوری سرمایه انسانی شده و به انبوه ایده‌های کلیدی مورد نیاز برای حمایت از ورود به کارآفرینی دست خواهند یافت. هرچند سرمایه‌گذاری در زمینه همکاری دانشی و سرریزهای دانش ممکن است دانش سایر صنایع را که به‌طور مستقیم در قابلیت‌های شرکت عجزین نیستند، به ارمغان بیاورد (ماوری^۵ ۲۰۰۹)، اما ممکن است برای نوآوری شومپیتری نیز مهم باشد (شومپیتر^۶ ۱۹۴۲). با این حال، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های شرکت‌ها و گروه‌های سازمانی در واقع مدیریت سرمایه‌گذاری داخلی در زمینه دانش، همکاری‌های دانشی (بیرز و زند^۷ ۲۰۱۴) و سرریز دانش است. این مسئله، به‌ویژه برای کارآفرینانی که با محدودیت شدید منابع کار می‌کنند، حائز اهمیت است (لینک و اسکات^۸ ۲۰۱۹).

-
1. West and Bogers.
 2. Roper.
 3. Hall and Sena.
 4. Demircioglu.
 5. Mowery.
 6. Schumpeter.
 7. Beers and Zand.
 8. Link and Scott.

برای بررسی مجموعه وابستگی‌های مستقیم و غیرمستقیم بین تولید دانش، تجاری‌سازی و تخصیص دانش (های و سنا ۲۰۱۷)، بخش صنعت ممکن است مناسب‌ترین مورد در مطالعات مربوط به این بحث ویژه که به پژوهش در مورد نقش مدیریت دانش در بخش فناوری اطلاعات (خلیل و خلیل^۱ ۲۰۲۰)، بخش دفاعی (بریونز-پنالور^۲ و همکاران ۲۰۲۰)، مراقبت‌های بهداشتی (اسلام^۳ و همکاران ۲۰۲۰)، بخش نیمه‌هادی (انزنبacher و واگنر^۴ ۲۰۲۰)، بخش آموزش (سیورا^۵ و همکاران ۲۰۲۰؛ هان^۶ ۲۰۲۰)، بخش تولید پیشرفته (سوتکووا^۷ و همکاران ۲۰۲۰) و موارد دیگر می‌پردازد، باشد.

هرچند مدیریت دانش اغلب به‌تنهایی مورد تحقیق قرار گرفته است، اما محققان به دلایل زیر توجه بیشتری به مکمل هم بودن و همبستگی دانش داخلی و منابع بیرونی دانش (لینک و اسکات ۲۰۱۹) و همچنین نقش سرریز دانش داشته‌اند (اودریجو بلیتسکی ۲۰۱۹):

اول، مدیریت دانش در سازمان‌ها، مناطق و کشورها مستلزم درک رابطه بین سرمایه‌گذاری داخلی در تحقیق و توسعه و منابع بیرونی دانش در محدوده پیوند همکاری دانشی - سرریز دانش است. هرکدام از عناصر طرح فوق توسط محققان متعددی به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته است. با وجود این، در اقتصاد نوآوری و ادبیات مدیریت دانش، در این زمینه که چگونه منابع مختلف دانش می‌توانند مکمل کارآفرینی، نوآوری و بهره‌وری شوند، خلأ وجود دارد (هال و همکاران ۲۰۱۳).

دوم، مدیریت دانش در سازمان‌ها، مناطق و کشورها مستلزم تجزیه و تحلیل روند تصمیم‌گیری است و مدیران برخلاف مدل تصمیم‌گیری پیاپی سنتی، تصمیم به تولید، خرید یا همکاری در تولید دانش می‌گیرند (کرپون^۸ و همکاران ۱۹۹۸؛ هال ۲۰۱۱).

-
1. Khalilil & Khalilil.
 2. Briones-Peñalver.
 3. Islam.
 4. Anzenbacher and Wagner.
 5. Civera.
 6. Hahn.
 7. Tsvetkova.
 8. Crépon.

رویکرد هم‌زمان به مدیریت دانش، نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری در زمینه دانش، همکاری با مراکز دانش بیرونی، دریافت آن از طریق سرریز، حتی خرید یا کپی از دانش بیرونی اغلب به‌طور هم‌زمان صورت می‌گیرد و همه این موارد، اغلب به علت تغییر، درون‌زا هستند. تصمیم‌گیری هم‌زمان را می‌توان با حل مدل سلسله مراتبی یا سیستم معادلات که در آن موارد باقی‌مانده (عوامل بررسی نشده) به شدت وابسته به یکدیگر خواهند بود، عملیاتی نمود. با انجام این کار، تحقیق در مورد مدیریت دانش در سازمان‌ها می‌تواند برخی از دشواری‌های ارزیابی و مسائل درون‌زاد را هنگام بررسی ورودی‌ها و خروجی‌های دانش، رفع کند (آرورا و آثری^۱ ۲۰۱۲؛ گیوانتی و پیگا^۲ ۲۰۱۷).

سوم، تحقیقات در مورد مدیریت دانش نیازمند ارزیابی هزینه‌ها و مزایای تولید دانش در داخل یا از طریق سرریز دانش (به‌عنوان مشکل سرمایه‌گذاری) است. با این کار می‌توان نتایج مورد انتظار مانند نوآوری یا کارآفرینی را به حداکثر رساند. تمایل بنگاه‌ها به نوآوری و ورود به بازارهای جدید با سرمایه‌گذاری آن‌ها در تولید دانش در داخل (به‌عنوان مثال تحقیق و توسعه، آموزش، ماشین‌آلات پیشرفته و سرمایه‌گذاری نرم‌افزاری) و دسترسی به سرریز دانش افزایش می‌یابد (ایسز و همکاران ۲۰۱۳؛ لینک و همکاران ۲۰۰۷). با افزایش سرریز دانش، نوآوری و ورود به بازار تسهیل می‌شود (آگاروال و همکاران ۲۰۱۰)؛ چراکه تعداد ارتباطات دانشی افزایش یافته و تمرکز حیاتی دانش در واحد مکانی یا صنعتی خاص صورت می‌گیرد (اودریچ و فلدمن ۱۹۹۶؛ بالاند^۳ و همکاران ۲۰۱۵). نتایج مورد انتظار از سرریز دانش و سرمایه‌گذاری داخلی روی دانش، ناشی از مکمل هم بودن و توانایی انباشت سریع دانش و همچنین قرابت شناختی بین منبع و گیرنده دانش است.

سرانجام، همکاری دانشی و سرریز دانش به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با ادغام، اصلاح و ایجاد ترکیب‌های جدید با استفاده از منابع خود و سایر شرکا، ارزش افزوده اقتصادی خود را افزایش داده و قدرت رقابت خود را ارتقا دهند (روپر و همکاران ۲۰۱۷).

مدیریت دانش و کارآفرینی راهبردی در عصر دیجیتال

تحقیقات اخیر در زمینه مدیریت دانش توجه چشمگیری به سرریز دانش ناشی از استفاده از داده‌های بزرگ، فناوری‌های توانمندساز کلیدی^۱ (کاری^۲ و همکاران ۲۰۱۹) و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (لی^۳ و همکاران ۲۰۱۶؛ خلیل و بلیتسکی ۲۰۲۰) داشته است. نظریه سرریز دانش کارآفرینی به‌عنوان تئوری یا مدل مهمی که مکمل‌های مختلف بین سرمایه‌گذاری داخلی روی دانش و سرریز دانش ناشی از سرمایه‌گذاری در فناوری و داده‌های بزرگ را مدنظر دارد، در نظر گرفته شده است (ابسونکا و اودریچ ۲۰۱۹). تحقیقات نظری و تجربی موجود بر نقش فناوری در شناسایی فرصت‌های بازار و چگونگی هماهنگی و همسویی سرمایه‌گذاری داخلی روی دانش و منابع دانش شرکای بیرونی متمرکز است:

اول، مفهوم همسویی راهبردی مبتنی بر این استدلال است که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های توانمندساز و مهم باعث افزایش بهره‌وری شرکت شده و ساختار و قابلیت‌های شرکت برای حمایت از تجاری‌سازی موفق ایده‌های جدید تغییر را می‌دهد. دوم، همسویی فرایندی دوطرفه است که در آن سرمایه‌گذاری روی دانش داخلی در زمینه فناوری و سرریز دانش (روپر و همکاران ۲۰۱۷) هر دو به‌عنوان محرک و پیشران دوجانبه «دانش مبتنی بر اطلاعات» و «شناسایی فرصت‌های جدید» عمل می‌کنند (کیان^۴ و همکاران ۲۰۱۲). سوم، همسویی راهبردی فناوری و دانش در بنگاه، ظرفیت جذب آن (کوهن و لویتال^۵ ۱۹۸۹؛ موروی ۲۰۰۹) نسبت به سازگاری مداوم و تغییر بستر نهادی را بیشتر می‌کند (اودریچ و همکاران ۲۰۱۹).

سرمایه‌گذاری داخلی زیاد روی فناوری به‌وسیله و کانالی برای سرریزهای دانش ورودی (کاسیمن و وئوگلز^۶ ۲۰۰۶) فعالیت‌های کارآفرینی تبدیل شده و باعث افزایش سرعت سرریز دانش ناشی از شرکت‌های کارآفرینی می‌شود. منطقی است که فرض کنیم

1. key enabling technologies.
2. Carree.
3. Li.
4. Qian.
5. Cohen and Levinthal.
6. Cassiman and Veugelers.

سرمایه‌گذاری روی فناوری و تحقیق و توسعه ممکن است بازده بیشتری را برای سرریز دانش به وجود آورد؛ چراکه ظرفیت جذب بالایی برای شناسایی، اخذ، ترکیب و جذب دانش بیرونی لازم است. اهمیت مزایای فناوری هنگام استفاده از سرریزها ناشی از مشکلات در اخذ سرریز دانش، بدون آموزش خاص و دانش قبلی است. در عصر دیجیتال، تمرکز بر حفظ و دستیابی به دانش خارجی از طریق سرریزها باید با تجارب نوآوری داخلی ادغام و با توازن سرمایه‌گذاری روی دانش داخلی و بیرونی در ارتباط باشد (انکل^۱ و همکاران ۲۰۰۹).

در صورتی که سایر عوامل تغییر نیابند، سرمایه‌گذاری در زمینه دانش منوط به کاهش بازده حاشیه‌ای خواهد بود؛ از این رو سرریز دانش به‌عنوان سازوکار تسهیل‌کننده که منحنی فروش فناوری - نوآوری به سمت تغییر می‌دهد، در نظر گرفته می‌شود. در حالی که شرکت‌ها برای حفظ ظرفیت‌های جذب خود و تسهیل سرریز دانش، به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و فناوری تأکید می‌کنند، چالش‌های زیر ممکن است بر تصمیم‌گیری کارآفرینانه در مورد مدیریت دانش و استفاده از سرریزها تأثیر بگذارند.

اول، در زمینه ترکیب دانش داخلی و سرریزها برای ایجاد فرصت‌های جدید بازار عدم اطمینان وجود دارد؛ مدیران در کل در مورد توزیع و بازده نتایج احتمالی نوآوری و چگونگی تبدیل این نتایج به فرصت‌های بازار اطمینان ندارند. دوم، توزیع بازده و نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری روی دانش داخلی (تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات) و انتقال دانش از طریق سرریزها نابرابر خواهد بود. سوم، توانایی جایگزینی دانش داخلی و بیرونی در عین حال انجام نوآوری بستگی به ظرفیت جذب بنگاه (کوهن و لوینتال ۱۹۸۹) و همچنین موقعیت شرکت نسبت به مرز تولید دارد (میکویچ^۲ و همکاران ۲۰۱۷).

اگر افزایش حاشیه هزینه سرمایه‌گذاری دانش بیشتر از بازده حاصل از سرریز باشد، شرکت‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری در دانش خود را محدود کنند. در همین حال، افزایش روزافزون بازار تجاری‌سازی کارآفرینان دانش به‌ناچار با کاهش بازده نسبت به مقیاس سرمایه‌گذاری در دانش داخلی مواجه خواهد شد؛ بنابراین استدلال این است که هدف

شرکت‌ها از سرمایه‌گذاری هم‌زمان در دانش داخلی و سرریز دانش، دستیابی سریع به رشد است (جانسن و رولوفسن ۱۳۹۸).

پیشینه تحقیق

امیری (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین مدیریت دانش و کارآفرینی استراتژیک مبتنی بر میانجی‌گری نوآوری سازمانی (مطالعه موردی: سازمان آموزش و پرورش فارس)» با روش توصیفی - همبستگی، به این نتیجه رسیده است که بین مدیریت دانش و کارآفرینی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. زاهدی و جوادی کمندی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «رویکرد جریان دانش و نقش آن در کارآفرینی سازمانی» با مرور اسناد نتیجه گرفته‌اند که مجرای اصلی تأثیرگذاری جریان دانش بر کارآفرینی سازمانی توسعه دانش در سازمان و توسعه ایده‌ها و اختراعات و اکتشافات است. جاویدنیا، دباغ و کمالی (۱۳۹۶) در پژوهش خود «بررسی ارتباط سیستم فرایند مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی مطالعه موردی: پژوهشکده علم و فناوری دفاعی منتخب»، وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین این دو را تأیید و تقویت تعامل بین مؤلفه‌های مدیریت دانش و نوآوری سازمانی جهت افزایش کارآفرینی را توصیه کرده‌اند. محمدی، کلاته، فراهانی و قاسمی (۱۳۹۵) در مقاله خود «تدوین مدل ارتباطی مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان»، وجود رابطه بین مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی را تأیید نموده‌اند. سالاریان و کیاکجوری (۱۳۹۴) با «بررسی رابطه بین مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: اداره کل بنادر و دریانوردی استان مازندران)» به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن از جمله کسب، خلق، ثبت، انتقال و کاربرد دانش با کارآفرینی سازمانی در کارکنان اداره کل بنادر و دریانوردی استان مازندران وجود دارد. کیانژن و چنگ^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر فرایندهای خلق و به‌کارگیری دانش بر اثربخشی سازمانی»

1. Jansen and Roelofsen.
2. Kiangen, M. and Cheng, D. E.

انجام داد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که به‌کارگیری دانش تأثیر معناداری بر اثربخشی نوآوری داشته، اما خلق دانش تأثیر معناداری بر اثربخشی نوآوری نداشته است. وِپل^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود «برانگیختن سازمان‌ها برای نوآوری و خلق ارزش» به این نتیجه رسید که تقویت نوآوری به منزله یکی از بهترین منابع شایستگی و موفقیت کسب‌وکار است. سازمان‌ها مجبورند مدل‌های سازمانی قبلی را رها کنند و از برانگیختن منابع دانشی پشتیبانی نمایند. گلوت و تریوسکی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی روابط بین مدیریت دانش و عملکرد نوآوری» دریافتند که مدیران شرکت‌های تولیدی، در ارتباط بین مدیریت دانش و نوآوری، باید به فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی توجه کنند؛ مدیریت دانش هنگامی به عملکرد نوآوری منجر می‌شود که فعالیت‌های منابع انسانی و فعالیت‌های فناوری اطلاعات به کار گرفته شوند.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق برای تحلیل و ارزیابی مدیریت دانش و کارآفرینی از روش فراتحلیل استفاده شده است. اصطلاح فراتحلیل را برای نخستین بار جن وی گلس^۲ در سال ۱۹۷۶ میلادی در انجمن پژوهش‌های آموزشی سانفرانسیسکو مطرح کرد (خنیر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۹۴). در فراتحلیل ابتدا هدف پژوهشگر مشخص و مسئله تحقق به‌روشنی تعریف می‌گردد. سپس از میان مطالعات موجود، از مواردی که با ملاک‌های تحقیق هماهنگی لازم را دارند، نمونه‌گیری به عمل می‌آید. در مرحله سوم داده‌های تحقیق‌ها جمع‌آوری و ویژگی‌های آن‌ها بر اساس هدف تحقیق فراتحلیلی کدگذاری و طبقه‌بندی می‌گردند. نتایج مطالعه به یک مقیاس کمی مشترک تبدیل می‌شود (به‌طوری‌که قابل مقایسه باشد). هدف این پژوهش ترکیب نقش زمینه فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌ها با تحقیقات مدیریت دانش و بررسی پیامدهای آن در کارآفرینی است. تا به حال هیچ پژوهشی در کشور ما به این مهم نپرداخته است.

هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش‌های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش‌ها و مطالعات گذشته و یکدست‌سازی آن‌ها با استفاده از روش‌های آماری، نتایج پراکنده و ناهماهنگ پژوهش‌ها، دقیق‌تر و منطقی‌تر می‌گردد (نادری، ۱۳۹۶: ۲۷۹).

در پژوهش‌های فراتحلیل، باید دقت نمود که این روش، همانند روش‌های هرمنوتیک، پدیدارشناختی، نظریه برخاسته از داده‌ها و ... توجه به نگاه تفسیری - تحلیلی و مفاهیم، حائز اهمیت است. در حقیقت زمانی که پژوهشگر از سطح توصیف آماری فراتر می‌رود و با محتوا و ماهیت مسئله از بعد تحلیلی و تفسیری مواجه می‌گردد، رویکرد کیفی دارد. فراتحلیل از جمله روش‌هایی است که عموماً آن‌ها به‌عنوان روش کمی می‌شناسند، اما رویکرد کیفی به فراتحلیل، در نمایان‌سازی مؤلفه‌ها و مفاهیم محتوایی مسئله مورد پژوهش، قابلیت قرار گرفتن این روش در زمره روش‌های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

فراتحلیل در زیرمجموعه مطالعات نظام‌یافته^۱ قرار می‌گیرد؛ بنابراین، هرچند مطالعات انجام‌شده در زمینه خاص پراکنده و غیرنظام‌مند باشند، فراتحلیل قادر است آن‌ها را منظم و معنی‌دار سازد (ذاکرسالحي و قانعی‌راد، ۱۳۹۴: ۳۰)؛ بنابراین این پژوهش، از نوع مطالعات کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج تعدادی از مطالعات انجام‌شده و به دست آوردن نتایج جدید است.

شرایب^۲ (۲۰۰۸) معتقد است که هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده‌ها برای توسعه مفاهیم و شناسایی تم‌های مهم تحقیقات پیشین است (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که پژوهشگر با ادغام کردن نتایج مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنی‌دار، افزایش می‌دهد. فراتحلیل هم تصویری جامع‌تر ارائه خواهد داد و هم با طرح ایرادات، امکان اجرای طرح‌های مؤثرتری را فراهم خواهد کرد. استفاده بهتر و کاربردی‌تر از داده‌های به‌دست‌آمده در سیاست‌گذاری و مدیریت کلان، یکی دیگر از ضرورت‌های فراتحلیل است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

1. Systematic Review.
2. Schreiber.

در این پژوهش از فرایند مدون کریپندورف^۱ (ذاکر صالحی و قانع‌راد، ۱۳۹۴: ۳۷) که دارای شش گام اصلی است، فراتحلیل استفاده شده است. در این فرایند، ابتدا زمینه کار (تعیین محیط پژوهش و متدولوژی) طراحی شده، سپس آثار و منابع جست‌وجو می‌شوند. در گام سوم محقق به واحدبندی داده‌ها (مضامین، پیام‌های مهم، واژگان و ...) می‌پردازد و در گام چهارم، نمونه‌گیری از داده‌ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده‌های لازم برای گام پنجم به منظور تقلیل داده‌ها و تنزک آن‌ها به چند گونه/ طبقه استخراج می‌شوند. در گام پایانی نیز استنتاج و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد.

جامعه پژوهش ما شامل همه مقالات علمی پژوهشی صورت گرفته طی دو سال اخیر درباره مدیریت دانش و کارآفرینی بود؛ بنابراین، ابتدا کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه مدیریت دانش و کارآفرینی از طریق مطالعه اسنادی آغاز و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست‌وجو و ۶۷ اثر بررسی اجمالی گردید و در مرحله اول از بین آن‌ها ۴۶ مقاله انتخاب شد. به این منظور، در مجلات علمی پژوهشی معتبر داخلی و خارجی، تمامی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مدیریت دانش و کارآفرینی در قالب مقالات گردآوری شدند. نمونه‌گیری نیز به صورت تمام‌شمار صورت گرفته و در مجموع از بین ۴۶ مقاله بررسی شده که دارای کلیدواژه‌هایی از جمله «مدیریت دانش»، «سرریز دانش»^۲، «همکاری دانشی»^۳ و «کارآفرینی» بودند، ده مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی و با استفاده از نرم‌افزار Maxqda 2020 کدگذاری و تحلیل شدند.

در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای سامان‌دهی داده‌ها استفاده کرده است. برای تقلیل داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (تحلیل روش‌شناسی پژوهش‌ها، تحلیل محتوای کیفی مقالات و یافته‌های پژوهش) در قالب ۱۴ مقوله تحلیلی، ارائه شد. در نهایت، داده‌های پژوهش در فرایندی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شدند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: فراتحلیل روش‌شناسی پژوهش‌ها

در این بخش، ۴۶ مقاله از نظر روش پژوهش و جامعه مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس آنچه در جدول زیر آمده، ۱۰٫۸ درصد مقالات (پنج مقاله) از روش کیفی و بیش از ۸۹ درصد از مقالات (۴۱) از روش کمی استفاده کرده‌اند. همچنین مقالات با روش کمی نیز با توجه به انجام یا عدم انجام مداخله به سه دسته مداخله‌ای، پس‌رویدادی و غیرمداخله‌ای تقسیم شده‌اند. بر این اساس ۱۵٫۲ درصد از مقالات اثربخشی یک مداخله و ۱۵ درصد از مقالات نیز اثرگذاری یک پدیده خارج از کنترل را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین بیش از ۶۰ درصد از مقالات نیز رویکردی غیرمداخله‌ای را در پیش گرفته‌اند. منظور از مقالات رابطه‌ای مقالاتی است که در آن‌ها تلاش شده است تا رابطه بین دو یا چند متغیر را در جمعیتی خاص مورد واکاوی قرار دهند و منظور از مقالات مقایسه‌ای نیز مقالاتی است که تلاش کرده‌اند وضعیت متغیر مشخصی را در دو یا چند گروه نمونه مورد مقایسه قرار دهند. برخی مقالات نیز این هردو را هم‌زمان انجام داده‌اند که در این پژوهش «رابطه‌ای-مقایسه‌ای» نام‌گذاری شده‌اند.

جدول ۱: روش‌های به‌کاررفته در مقالات

| درصد | تعداد | روش‌های استفاده شده | |
|------|-------|---------------------|-----|
| ۱۰٫۸ | ۵ | کیفی | |
| ۱۵٫۲ | ۷ | مداخله‌ای | |
| ۱۳٫۰ | ۶ | پس‌رویدادی | |
| ۳۰٫۴ | ۱۴ | رابطه | کمی |
| ۸٫۷ | ۴ | مقایسه | |
| ۱۳٫۰ | ۶ | رابطه و مقایسه | |
| ۸٫۷ | ۴ | نیازسنجی | |

از بین مقالات بررسی‌شده، مقالاتی که قرابت بیشتری با دانش و زمینه‌های گوناگون صنعت داشته و همین اواخر چاپ شده بودند، انتخاب شدند. برای انتخاب این مقالات، ابتدا ۲۷ واژه کلیدی مرتبط با مدیریت دانش و کارآفرینی شناسایی و این واژگان در اختیار پنج خبره قرار گرفت تا وزن‌دهی نمایند. سپس بر اساس اولویت‌بندی صورت‌گرفته، مقالات حاوی واژه‌های

«سرریز دانش کارآفرینی»، «نوآوری باز»، «دیدگاه نهادی مدیریت دانش»، «سازمان‌های کارآفرین» که در زمینه صنایع مختلف نوشته شده بودند، انتخاب شدند.

جدول ۲: عناوین مقالات، نویسندگان، صنعت بررسی شده و سال انتشار

| ردیف | عنوان | نویسندگان | صنعت | سال |
|------|--|---|---------------------------------------|------|
| ۱ | انتشار دانش در ائتلاف‌های استراتژیک | رفال درنیاکیک و رابرت کاراسوزسکی | ائتلاف‌ها | ۲۰۲۰ |
| ۲ | سه رکن مدیریت دانش در شرکت‌های کوچک و متوسط: شواهدی از صربستان | ویکتوریا پتروف، جورد ژلیچ، زوریکا اوزلاک و زوران دراکوویچ | شرکت‌های کوچک، متوسط | ۲۰۲۰ |
| ۳ | تقویت ایجاد اسپین‌آف یا بخش مستقل و مجزای دانشگاهی: آیا تحرک بین‌المللی رهبر و پیشتاز دانشگاهی حائز اهمیت است؟ | آلیس سیوره، داوید دونینا، میشل مولی و سیلیویو ویسمارا | دانشگاه‌ها | ۲۰۲۰ |
| ۴ | چگونه فرهنگ سازمانی دانشگاه رابطه بین ارزش ایجادشده توسط کارآفرینان دانشجو و سلامت روان‌شناختی آن‌ها را شکل می‌دهد: از منظر هویت اجتماعی | داوید هان | دانشگاه‌ها (دانشجو، مشتری و جامعه) | ۲۰۲۰ |
| ۵ | بقا در صنعت تولید با استفاده از فناوری پیشرفته: نقش محیط نوآورانه و مجاورت با مجموعه‌های صنعتی کلان‌شهرها | الکساندرا تسوتکوکوا و تسا کونزوی ژان کلود | شرکت‌های رایانه‌ای و الکترونیکی | ۲۰۲۰ |
| ۶ | مراقبت یکپارچه تا چه اندازه به دست آمده است؟ استفاده از دیدگاه نامتقارن در زمینه اعتماد بین سازمانی در سازمان‌های بهداشتی و مراقبت‌های اجتماعی | عقیب اسلام، ویزی لی، کوین جانسون و پریم لاجنده | خدمات بهداشتی ملی | ۲۰۲۰ |
| ۷ | کاوش در مدیریت دانش در سازمان‌های چابک توسعه‌دهنده نرم‌افزار | سایین خلیل و کارین خلیل | سازمان‌های چابک توسعه‌دهنده نرم‌افزار | ۲۰۲۰ |
| ۸ | نقش اکتشاف و بهره‌برداری در موفقیت نوآوری: تأثیر مدل‌های کسب‌وکار بر توانمندی و فضای سازمانی در صنعت نیمه‌هادی | آرمین آنزیناچرو مارکوس واگنر | صنعت نیمه‌هادی جهان | ۲۰۲۰ |
| ۹ | مدل مدیریت دانش و نوآوری - تأثیر آن بر انتقال فناوری و عملکرد در صنعت دفاعی اسپانیا | آنتونیو خوان بریونس - پنالور، خوان آندرس برنال-کونسا و کارمن دی نیسس - نیتو | صنعت دفاعی | ۲۰۲۰ |
| ۱۰ | سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌های نوآوری در بنگاه‌های نوپا و کارآفرین: شواهدی از انگلستان | ماکسیم بلیتسکی، روزا کایاز ^۲ و یولیا رودیونووا | بنگاه‌های نوپا و کارآفرین | ۲۰۲۰ |

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها: فراتحلیل محتوایی مقالات

مقاله‌ای که برای این بحث ویژه انتخاب شدند، هرکدام با تأکید بر نقش قرابت شناختی برای دانش و اهمیت زمینه صنعت، بینش و آگاهی خاصی را ارائه می‌کنند (ولتر و همکاران ۲۰۱۹). برای تحلیل محتوای کیفی مقالات، متن آن‌ها وارد نرم‌افزار تحلیل محتوای کیفی Maxqda2020 گردید.

The screenshot displays the MaxQDA 2020 software interface. At the top, there is a menu bar with options like Home, Import, Codes, Variables, Analysis, Mixed Methods, Visual Tools, Reports, Stats, and MAXDictio. Below the menu is a toolbar with icons for New Project, Open Project, Document System, Code System, Document Browser, Retrieved Segments, Logbook, Save Project As, Merge Projects, Save Anonymized Project As, Open Exchange File, Project from Activated Documents, Export Exchange File, and External Files. The main window is divided into two panes. The left pane, titled 'Document System', shows a list of documents with columns for 'Documents' and 'Sets'. The right pane, titled 'Document Browser', shows the content of a selected document. The document title is 'ماه دهم: سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌های نوآوری'. The text in the document browser is as follows:

مقاله نهم ماکسم بلینسک، روزا کایاز و بولیا رودینووا (۲۰۲۰) در زمینه سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌های نوآوری در بنگاه‌های نوین و کارآفرینی: شواهدی از انگلستان. با تمرکز بر آموزش و مهارت‌های نوآورانه در شرکت‌های کارآفرینی و نقش ثبت اختراع به عنوان انگیزنده آموزش داخلی، نهم بازده سرمایه‌گذاری در زمینه دانش را توسعه می‌دهد. این کار به صورت تئوری و تجربی دیدگاه گیولوتی و بیگا (۲۰۱۷) را توسعه بخشید. این دو با اثبات این‌که نقش آموزش در عملکرد نوآوری مثبت بوده و بازگشت سرمایه‌گذاری در آموزش بین شرکت‌های دارای اندازه‌های مختلف، متفاوت است، بازده آموزش ابتکاری و تحقیق و توسعه را تخمین زده بودند. این مطالعه با تکیه بر مدیریت دانش در سازمانها و ادبیات نوآوری، درک ما از سرمایه‌گذاری در زمینه دانش و استراتژی‌های تخصیص دانش در شرکت‌های کارآفرینی و همچنین نقش سرمایه‌گذاری دانشی در تشویق بیشتر تحقیق

شکل ۱: مقالات تحلیل شده

سپس کدگذاری باز انجام و ۱۴۲ کد یا مفهوم استخراج گردید. پس از تطابق مستمر کدها و مرتب‌سازی آن‌ها بر اساس قرابت معنایی، این کدها در ۱۴ طبقه یا محور قرار گرفتند (کدگذاری محوری).

| Code System | |
|-----------------------------------|-----|
| Code System | 142 |
| مدیریت دانش و کارآفرینی | 1 |
| > کشف و بهره‌برداری از دانش | 2 |
| > حدود و ثغور سازمان‌های کارآفرین | 4 |
| > ارکان مدیریت دانش | 4 |
| > ائتلاف‌های استراتژیک | 6 |
| > افزایش بقا | 3 |
| > رهبری دانش | 3 |
| > جاسازی و استفاده از مدیریت دانش | 5 |
| > استراتژی نوآوری | 3 |
| > شرکت‌های کارآفرینی | 5 |
| > کارآفرینی دانشگاهی | 3 |
| > سرریز دانش کارآفرینی | 6 |
| > سرمایه‌گذاری بیرونی روی دانش | 8 |
| > سرمایه‌گذاری داخلی روی دانش | 24 |

شکل ۲: کدگذاری آزاد و محوری

مقاله اول، توسط رفال درنیاکیک^۱ و رابرت کاراسوزسکی^۲ (۲۰۲۰) با عنوان «انتشار دانش در ائتلاف‌های استراتژیک» نوشته شده است، به بحث شواهد تجربی درباره جوهره و تبادل دانش بین شرکت‌ها در چارچوب ائتلاف‌های استراتژیک می‌پردازد. هدف این مقاله شناسایی روابط بین ویژگی‌های خاص مربوط به کسب و به اشتراک‌گذاری دانش، ویژگی شرکت‌های همکاری‌کننده و ویژگی‌های ائتلاف است. این مقاله مدارکی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد رابطه بین اندازه شرکت‌های شرکت‌کننده در ائتلاف و ارزیابی مطلوب کسب و اشتراک دانش نزدیک‌تر از مدت‌زمان ائتلاف است. همچنین، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین اجرای نوآوری‌ها و مدت‌زمان ائتلاف وجود دارد.

مقاله دوم با عنوان «سه رکن مدیریت دانش در شرکت‌های کوچک و متوسط: شواهدی از صربستان» که توسط ویکتوریا پتروف^۱، جوردا ژلیچ^۲، زوریکا اوزلاک^۳ و زوران دراکوویچ^۴ (۲۰۲۰) نوشته شده است، به بررسی رابطه بین سه رکن مدیریت دانش (راهبرد، بازاریابی و مدیریت منابع انسانی) در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مدیریت دانش در شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار را می‌توان از طریق «مدل سلسله مراتبی مرتبه دوم» متشکل از سه رکن راهبرد، بازاریابی و ستون‌های مدیریت منابع انسانی توصیف کرد. ارکان سازمانی راهبرد، بازاریابی و مدیریت منابع انسانی به‌طور متقابل، ترکیب منابع موجود در بنگاه‌ها را تقویت می‌کنند (میکویویچ و همکاران ۲۰۱۷). از آنجا که توسعه هر رکن پرهزینه است، لازم است مکمل‌های بین راهبرد، بازاریابی و نیروی انسانی هماهنگ‌تر شوند تا بازده یا بازگشت سرمایه‌گذاری روی دانش به حداکثر برسد.

نقش افراد متمایز در رهبری و پیشبرد سرمایه‌گذاری روی دانش و افزایش توانایی شرکت در جذب سرریز دانش و آوردن دانش تجاری‌سازی‌نشده به بازار کمتر مورد توجه قرار گرفته است (روپر و همکاران ۲۰۱۷). در همین راستا، مقاله سوم با عنوان «تقویت ایجاد اسپین‌آف^۵ یا بخش مستقل و مجزای دانشگاهی: آیا تحرک بین‌المللی رهبر و پیشتاز دانشگاهی حائز اهمیت است؟» نوشته آلیس سیوره^۶، داوید دونینا^۷، میشل مولی^۸ و سیلویو ویسمارا^۹ (۲۰۲۰)، نقش رهبر در روند تولید دانش و تجاری‌سازی را نشان می‌دهد. این پژوهش، نقش رهبران دانشگاه در تقویت ایجاد اسپین‌آف‌های دانشگاهی را بررسی می‌کند. این امر به‌ویژه بر تأثیر تحرک بین‌المللی رهبر دانشگاه متمرکز است. این مطالعه نشان

-
1. Viktorija Petrov.
 2. Djordje Celic.
 3. Zorica Uzelac.
 4. Zoran Draskovic.

۵. تبدیل بخش‌های یک شرکت یا سازمان به تجارت‌های مستقل.

6. Alice Civera.
7. Davide Donina.
8. Michele Meoli.
9. Silvio Vismara.

می‌دهد که تحرک رهبران دانشگاه تأثیر مثبتی بر میزان تأسیس اسپین‌آف‌های دانشگاهی دارند. میزان این پیامدهای بیرونی مثبت در دانشگاه‌های بین‌المللی و همچنین مناطقی که جهت‌گیری بین‌المللی دارند، بیشتر است.

مقاله چهارم با عنوان «چگونه فرهنگ سازمانی دانشگاه رابطه بین ارزش ایجادشده توسط کارآفرینان دانشجو و سلامت روان‌شناختی آن‌ها را شکل می‌دهد: از منظر هویت اجتماعی» توسط داوید هان^۱ (۲۰۲۰) نوشته شده است. این پژوهش بر سلامت روان‌شناختی کارآفرینان دانشجو، پیامد شغلی کلیدی برای فرد کارآفرین، متمرکز است و از تئوری هویت اجتماعی برای فرضیه‌سازی در این زمینه که سه بعد مختلف ایجاد ارزش توسط کارآفرینان دانشجو - ایجاد ارزش برای خود، مشتریان و جامعه - در سلامت روان‌شناختی آن‌ها نقش دارند، استفاده کرده است. با این حال، استدلال می‌کند که میزان این نقش بستگی به مشارکت دانشگاه با کارآفرینی دانشگاهی، مؤلفه بارز فرهنگ سازمانی آن دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت دانشگاه با کارآفرینی دانشگاهی باعث کاهش تأثیرات منفی ایجاد ارزش ضعیف برای خود و مشتریان می‌شود.

مقاله پنجم مربوط به «بقا در صنعت تولید با استفاده از فناوری پیشرفته: نقش محیط نوآورانه و مجاورت با مجموعه‌های صنعتی کلان‌شهرها» است که توسط الکساندرا تسوتکووا^۲ و تسا کونروی ژان کلود^۳ (۲۰۲۰) نوشته شده است. این پژوهش بر پایه تحولات اخیر در اقتصاد تکاملی و همراه با دیدگاه سنتی‌تر توسعه و سرریز، استوار است تا محیط دانشی منطقه‌ای را که از دو مؤلفه (پایه و دانش‌بنیادی) تشکیل شده است، مفهوم‌سازی کند. این مقاله بررسی می‌کند که چگونه گروهی از شرکت‌های آمریکایی تولیدکننده رایانه و لوازم الکترونیکی با سطوح متفاوت ظرفیت جذب قادر به بهره‌گیری از انواع مختلف دانش موجود در منطقه بوده‌اند. یافته‌ها حاکی از تقویت پویایی بین مجاورت ترکیب صنعت کلان‌شهر و کثرت ثبت اختراع کلان‌شهر در افزایش بقای شرکت‌های فاقد ثبت اختراع است. این مقاله توجه خواننده را به نقش تکمیل‌کنندگی بین محیط‌های

1. Davide Hahn.
2. Alexandra Tsvetkova.
3. Tessa Conroy Jean-Claude.

نوآورانه و مجاورت آن‌ها به مناطق صنعتی شهری دارای تنوع که می‌تواند گسترش به سمت فرصت‌های جدید بازار را افزایش دهد، جلب می‌کند (اودریچ و همکاران ۲۰۰۶).

مقاله ششم تحت عنوان «مراقبت یکپارچه تا چه اندازه به دست آمده است؟ استفاده از دیدگاه نامتقارن در زمینه اعتماد بین سازمانی در سازمان‌های بهداشتی و مراقبت‌های اجتماعی»، نوشته عقیب اسلام^۱، ویزی لی^۲، کوین جانسون^۳ و پریم لاجنده^۴، (۲۰۲۰) از دیدگاه نامتقارنی استفاده می‌کند که روی عواملی تمرکز دارد که در پی پیوستن به خدمات سلامت و مراقبت‌های اجتماعی هستند و در نهایت منجر به از دست دادن اعتماد بین سازمانی در زمینه خدمات بهداشتی ملی و دولت محلی می‌شوند. این مقاله به بررسی عوامل اعتماد و عدم تقارن که تلاش‌های مشترک جهت یکپارچه‌سازی خدمات موفق بین بازیگران مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی را تضعیف می‌کنند، پرداخته و به درک علمی عدم تقارن در بخش دولتی و نقش اعتماد در غلبه بر اختلافات و تسهیل خدمات مشترک بین سازمان‌های بهداشت و مراقبت کمک می‌کند.

این پژوهش، وجود عوامل مکمل بین همکاری دانشی و اعتماد به‌عنوان یک پدیده نهادی را تأیید می‌کند. تحقیقات بیشتر ممکن است به توسعه مدل‌های مجزا؛ جایی که اعتماد به عامل اصلی در تصمیم‌گیری کارآفرینانه در زمینه همکاری‌های سازمانی، فراتر از صنعت مراقبت‌های بهداشتی، تبدیل شود، بیانجامد.

مقاله هفتم به قلم سابین خلیل^۵ و کارین خلیل^۶ (۲۰۲۰) با عنوان «کاوش در مدیریت دانش در سازمان‌های چابک توسعه‌دهنده نرم‌افزار» منتشر شده است. این پژوهش با تمرکز بر ابتکارات مدیریت دانش در سازمان‌های چابک، کارهای مرتبط با توسعه چابک نرم‌افزار را بررسی و مدل نظری مدیریت دانش در محیط‌های چابک را ارائه می‌کند. در این مقاله، نحوه جاسازی و استفاده از مدیریت دانش در شیوه‌های چابک از جمله ارتباط مداوم،

-
1. Aaqub Islam.
 2. Weizi Li.
 3. Kevin Johnson.
 4. Priam Lauchande.
 5. Sabine Khalil.
 6. Carine Khalil.

توسعه مستمر، مخازن دانش و شیوه‌های مهندسی برجسته شده و بر اهمیت مدیریت دانش در سازمان‌های توسعه فناوری اطلاعات تأکید گردیده است.

نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه فناوری‌های جدید می‌توانند بر توانایی شرکت در دستیابی به رشد، ایجاد و حفظ مزیت رقابتی تأثیر بگذارند. این پژوهش به ادبیات رو به رشدی که به منظور توسعه مدل‌های جدید کسب‌وکار و مناسب مدیریت دانش، فناوری اطلاعات را با مدیریت دانش پیوند می‌دهد، کمک می‌کند. هرچند نقش تحقیق و توسعه و مشارکت آن در نوآوری در این ادبیات بسیار مورد بحث قرار گرفته است (وگلرز و اشنايدر^۱ ۲۰۱۸)، اما مطالعات کمتری در زمینه نقش چابکی و فناوری اطلاعات و ارتباطات بر چگونگی تأثیر نوآوری و مدیریت دانش روی بهره‌وری، صورت گرفته است.

مقاله هشتم با عنوان «نقش اکتشاف و بهره‌برداری در موفقیت نوآوری: تأثیر مدل‌های کسب‌وکار بر توانمندی و فضای سازمانی در صنعت نیمه‌هادی» که توسط آرمین آنزنباچر^۲ و مارکوس واگنر^۳ (۲۰۲۰) نوشته شده است، به بررسی میزان وابستگی توازن اکتشاف و بهره‌برداری در نوآوری به مدل‌های کسب‌وکار دنبال شده توسط شرکت‌ها در صنعت نیمه‌هادی جهانی می‌پردازد. این بررسی با ارزیابی اهمیت نسبی این سازوکارهای منبع‌یابی داخلی دانش در مقایسه با سازوکارهای تسهیل سرریز دانش خارجی، یعنی ادغام‌ها و خرید شرکت‌ها، یکپارچه شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که اثر مثبت مدیریت دانش در داخل بر موفقیت نوآوری از سوی مدل‌های کسب‌وکار دنبال شده، تعدیل می‌شود. همچنین، این مطالعه، محدودیت مهم دیگر در استفاده از دانش توانایی شرکت در ترکیب اکتشاف و بهره‌برداری از دانش (توانمندی و فضای سازمانی) را شناسایی می‌کند؛ چراکه این کار ممکن است پرهزینه و نتایج آن نامشخص باشد. این موضوع باعث این تصور می‌شود که اکتشاف و بهره‌برداری از دانش دو جایگزین برای راهبرد نوآوری هستند، اما سازوکار آن نامشخص است.

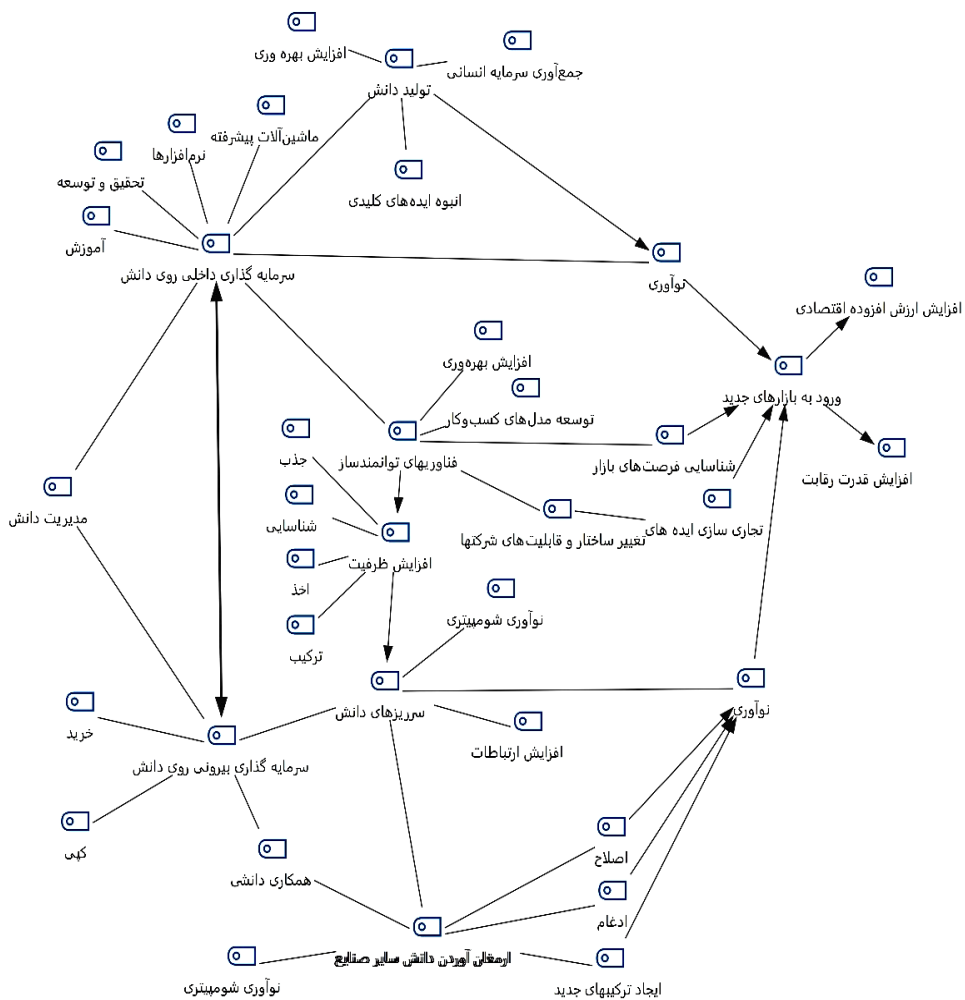
1. Veugelers and Schneider.
2. Armin Anzenbacher.
3. Marcus Wagner.

هدف مقاله نهم، «مدل مدیریت دانش و نوآوری - تأثیر آن بر انتقال فناوری و عملکرد در صنعت دفاعی اسپانیا»، نوشته آنتونیو خوان بریونس-پنالور^۱، خوان آندرس برنال-کونسا^۲ و کارمن دی نیس-نیتو^۳، (۲۰۲۰) تجزیه و تحلیل تأثیر مدیریت دانش و نوآوری در انتقال فناوری و عملکرد پروژه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ائتلاف‌های استراتژیک طرفدار دانش و مدیریت نوآوری هستند. این مدل مدیریت دانش و نوآوری، تأثیر مثبتی بر انتقال فناوری که به مدیریت پروژه به‌منظور بهبود عملکرد شرکت کمک می‌کند، دارد. تحقیقات بیشتر در این راستا ممکن است بر توانایی ائتلاف‌ها در ایجاد و بهره‌مندی از سرریز دانش و همکاری دانشی و افزایش بازده سرمایه‌گذاری در دانش داخلی و انتقال دانش توسط ائتلاف معطوف شود.

سرانجام، مقاله ماکسیم بلیتسک^۴، روزا کایازا^۵ و یولیا رودیونووا^۶ (۲۰۲۰) در زمینه «سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌های نوآوری در بنگاه‌های نوپا و کارآفرین: شواهدی از انگلستان» با تمرکز بر آموزش و مهارت‌های نوآورانه در شرکت‌های کارآفرینی و نقش ثبت اختراع به‌عنوان انگیزاننده آموزش داخلی، فهم بازده سرمایه‌گذاری در زمینه دانش را توسعه می‌دهد. این کار به‌صورت تئوری و تجربی دیدگاه گیواننتی و پیگا^۷ (۲۰۱۷) را توسعه بخشید. این دو با اثبات اینکه نقش آموزش در عملکرد نوآوری مثبت بوده و بازگشت سرمایه‌گذاری در آموزش بین شرکت‌های دارای اندازه‌های مختلف، متفاوت است، بازده آموزش ابتکاری و تحقیق و توسعه را تخمین زده بودند. این مطالعه با تکیه بر مدیریت دانش در سازمان‌ها و ادبیات نوآوری، درک ما از سرمایه‌گذاری در زمینه دانش و راهبردهای تخصیص دانش در شرکت‌های کارآفرینی و همچنین نقش سرمایه‌گذاری دانشی در تشویق بیشتر تحقیق و توسعه را افزودن بر یافته‌های آرورا و آتری^۸ (۲۰۱۲) و آرورا و همکاران (۲۰۱۶)، افزایش می‌دهد.

1. Antonio Juan Briones-Peñalver.
2. Juan Andrés Bernal-Conesa.
3. Carmen de Nieves-Nieto.
4. Maksim Belitski.
5. Rosa Caiazza.
6. Yulia Rodionova.
7. Giovannetti and Piga.
8. Arora and Athreye.

با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته در خصوص هرکدام از مقالات و استخراج کدهای باز و محوری، خلاصه یافته‌های مربوط به مقالات در طرح‌واره زیر ارائه گردید. همچنان که در طرح‌واره ملاحظه می‌شود، مدیریت دانش متأثر از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی روی دانش است و هردوی این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نوآوری در سازمان تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر نوآوری به خاطر ایجاد مزیت رقابتی در کسب‌وکار، اغلب پایه و اساس کارآفرینی است (رحمدل، ۱۳۹۶: ۴۱).



شکل ۳: طرح‌واره یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در مقالات بحث‌شده در بالا، فعالیت‌های کارآفرینی از حیث حوزه، صنایع و فناوری‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به نقشی که سرمایه‌گذاری روی دانش و فناوری خود شرکت‌ها و همچنین سرریز دانش در توانمندسازی کاوش در مرزهای دانش و گسترش مرزهای دانش ایفا می‌کند، پرداخته شد.

بر اساس دیدگاه‌های مختلف (نهادی، مبتنی بر منابع، هم‌افزایی سازمانی، مدیریت دانش، نوآوری و نظریه سرریز دانش کارآفرینی) و همچنین زمینه تصمیم‌گیری کارآفرینی، در این پژوهش مباحث زیر مورد بررسی قرار گرفت: مدیریت دانش و نوآوری در شرکت‌ها؛ نقش ظرفیت جذب در اکتشاف و بهره‌برداری از دانش جدید؛ اعتماد و همکاری بین سازمانی؛ کارآفرینی دانشگاهی و رهبری؛ دانش و سلامت در دانشگاه‌ها؛ آموزش ابتکاری و فروش محصولات جدید؛ مدیریت دانش در محیط‌های چابک و نقش دانش‌بنیادی در بقای شرکت. توصیه ما به محققین این است که برنامه بلندپروازانه بررسی نقش سرمایه‌گذاری داخلی در تولید دانش، تحقیق و توسعه و فناوری و همچنین دسترسی به سرریز دانش و همکاری دانشی برای شناسایی و تجاری‌سازی فرصت‌های بازار را بررسی نمایند.

از یک طرف، انتخاب مقالات نشان می‌دهد که چگونه دانش ناشی از شرکت‌های کارآفرین و متولیان می‌تواند به منبعی برای گسترش دانش در هر زمینه خاص در سازمان، ائتلاف، صنعت یا حوزه تبدیل شود. از سوی دیگر، ثابت می‌کند که سرریز دانش، همکاری دانشی و سرمایه‌گذاری خود شرکت در تحقیق و توسعه ممکن است به منبع داخلی قدرتمند در زمینه دانش و نوآوری در بازار تبدیل شود.

به‌طور کلی، این پژوهش با توسعه دیدگاه‌های مربوط به مدیریت دانش در سازمان‌های مختلف و در طیف گسترده‌ای از صنایع که همه از سرریز دانش و کارآفرینی بهره‌مند شده‌اند، به پیشرفت تحقیقات کارآفرینی کمک می‌کند. این مقالات با یکپارچه‌سازی مجموعه از تئوری‌ها و استفاده از مؤلفه‌های این تئوری‌ها، به بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری روی دانش داخلی و فناوری و همچنین دستیابی به دانش خارجی از طریق

همکاری در زمینه تحقیق و توسعه و سرریزها در زمینه‌های خاص محیطی پرداخته و به پیشرفت نظری در این زمینه کمک نموده‌اند. یافته‌های آن‌ها متنوع و گاهی غیرمنتظره بوده و نشانگر پیچیدگی روابط بین مدیریت دانش و فعالیت‌های کارآفرینی است؛ فعالیت‌هایی که در خلأ صورت نمی‌گیرند، بلکه تحت تأثیر ویژگی‌های نهادی، شرایط رقابتی صنعت، محدودیت منابع و تکمیل‌کننده‌های مختلف بین مؤلفه‌های متمایز بیرونی و داخلی دانش سازمانی قرار دارند. علاوه بر این، مقالات بررسی شده در این پژوهش، اهمیت هم‌سویی چندین مؤلفه درون همان سطح تجزیه و تحلیل (سطح سازمانی، ترکیب مهارت، هم‌سویی صنعت و رقابت؛ اکوسیستم‌های کارآفرینی دانشگاه، اکوسیستم‌های نوآوری منطقه‌ای، چابکی و انعطاف‌پذیری شرکت‌ها و استفاده از فناوری‌های توانمندساز کلیدی و فناوری‌های اطلاعات) را مورد توجه قرار داده‌اند.

شاکله دانش فعلی در خصوص ادبیات این بحث، نیازمند تحقیقات نظری و تجربی بیشتری است تا نقش عوامل تکمیل‌کننده بین سرمایه‌گذاری روی دانش داخلی و سرریز دانش را روشن کند. این امر به‌ویژه، در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل (دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها، صنعت، مناطق صنعتی؛ اکوسیستم‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های شرکت‌ها) از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین انجام پژوهش در این زمینه به پژوهشگران توصیه می‌شود. همچنین، بررسی رابطه کارآفرینی و مدیریت دانش در خصوص تمام زمینه‌ها و در سراسر کشور به محققین توصیه می‌شود. در این تحقیقات، به‌ویژه باید بر میزان انتقال دانش و سایر فناوری‌های نوظهور که باعث پیشرفت دیدگاه نوآوری و کارآفرینی در عصر دیجیتال می‌شوند، توجه شود. مسلماً تحقیقات در خصوص سازمان‌های کارآفرین از بررسی‌ها صورت گرفته در مورد نقشی که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و سرریز دانش در بهره‌وری شرکت و منطقه ایفا می‌کند، بهره خواهد برد. مقالات بررسی شده در این پژوهش، به گسترش مرزهای دانش کمک نموده و مسیرهای جدیدی را برای تحقیقات آینده در خصوص بررسی کارآفرینی به‌عنوان پدیده چند سطحی و ناهمگن و دانش به‌عنوان کانال کارآفرینی در عملکردها، ابعاد و سطوح مختلف سازمانی باز می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- امیری، مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه بین مدیریت دانش و کارآفرینی استراتژیک مبتنی بر میانجی‌گری نوآوری سازمانی (مطالعه موردی: سازمان آموزش و پرورش فارس)»، *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۸۴-۱۴۷.
- جاویدنیا، رضا؛ دباغ، رحیم و کمالی، میرتوحید (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط سیستم فرایند مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی مطالعه موردی: پژوهشکده علم و فناوری دفاعی منتخب»، *نشریه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، دوره ۴ شماره ۲، صص ۲۶-۱۱.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، ج ۱، تهران: نشر نگاه دانش.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و قانعی‌راد، سید محمدامین (۱۳۹۴)، *مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری، مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۹ شماره ۲، صص ۶۳-۲۹.
- رحمدل، ناصر (۱۳۹۶)، «کارآفرینی و نوآوری»، انتشارات نو شناخت.
- زاهدی، محمدرضا و جوادی کمنی، سکینه (۱۳۹۷)، «رویکرد جریان دانش و نقش آن در کارآفرینی سازمانی»، *سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره ۸ شماره ۳، صص ۷۵-۶۳.
- سالاریان، محسن و کیا کجوری، داود (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: اداره کل بنادر و دریانوردی استان مازندران)»، *نشریه صنعت حمل‌ونقل دریایی*، سال اول، شماره ۲، صص ۷۵-۶۵.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵)، *فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان، راهبرد فرهنگ*، شماره ۳۳، صص ۱۹۹-۱۷۱.
- محمدی، فروغ؛ کلاته سیفری، معصومه؛ فراهانی، ابوالفضل و قاسمی، حمید (۱۳۹۵)، «تدوین مدل ارتباطی مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان»، *نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی*، دوره ۴ شماره ۱۵، صص ۵۳-۳۹.
- مرادی، سالار؛ کواکبیان، مصطفی و فلاح‌پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۶)، *فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۴، صص ۱۳۳-۱۰۵.

- نادری، احمد (۱۳۹۶)، فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۲۹۰-۲۵۹.

ب. منابع انگلیسی

- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., & Lehmann, E. E. (2013). The knowledge spillover theory of entrepreneurship. *Small Business Economics*, 41(4), 757-774.
- Agarwal, R., Audretsch, D., & Sarkar, M. B. (2010). Knowledge spillovers and strategic entrepreneurship. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 4, 271-283.
- Aizpurúa, L. I., Saldaña, P. E. Z., & Saldaña, A. Z. (2011). Learning for sharing: An empirical analysis of organizational learning and knowledge sharing. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(4), 509-518.
- Anzenbacher, A. & Wagner, M. (2020). The role of exploration and exploitation for innovation success: Effects of business models on organizational ambidexterity in the semiconductor industry. *International entrepreneurship and management journal*, 16:373-385.
- Arora, A., Athreye, S., & Huang, C. (2016). The paradox of openness revisited: Collaborative innovation and patenting by UK innovators. *Research Policy*, 45(7), 1352-1361.
- Audretsch, D. B., Belitski, M., & Desai, S. (2019). National business regulations and city entrepreneurship in Europe: A multilevel nested analysis. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(6), 1148-1165.
- Balland, P. A., Boschma, R., & Frenken, K. (2015). Proximity and innovation: From statics to dynamics. *Regional Studies*, 49(6), 907-920.
- Beers, C., & Zand, F. (2014). R&D cooperation, partner diversity, and innovation performance: An empirical analysis. *Journal of Product Innovation Management*, 31, 292-312.
- Belitski, M. (2019). Innovation in Schumpeterian-type firms: Knowledge collaboration or knowledge spillover? *Foundations and Trends® in Entrepreneurship*, 15(3-4), 368-390.
- Belitski, M., Caiazza, R., & Lehmann, E. E. (2019a). Knowledge frontiers and boundaries in entrepreneurship research. *Small Business Economics*, 1-11.
- Briones-Peñalver, A.J., Bernal-Conesa, J.A. Nieves-Nieto, C. (2020). Knowledge and innovation management model. Its influence on technology transfer and performance in Spanish defense industry. *International entrepreneurship and management journal*, 16:373-385.
- Bruton, G. D., Ahlstrom, D., & Obloj, K. (2008). Entrepreneurship in emerging economies: where are we today and where should the research go in the future. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(1), 1-14.
- Caiazza, R., Belitski, M., & Audretsch, D. B. (2019). From latent to emergent entrepreneurship: the knowledge spillover construction circle. *The Journal of Technology Transfer*, 1-11.

- Carree, M., Lokshin, B., & Alvarez, H. A. (2019). Technology partnership portfolios and firm innovation performance: Further evidence. *Journal of Engineering and Technology Management*, 54, 1–11.
- Cassiman, B., & Valentini, G. (2016). Open innovation: Are inbound and outbound knowledge flows really complementary? *Strategic Management Journal*, 37, 1034-1046.
- Dogan, Nilhun. (2015). The Intersection of Entrepreneurship and Strategic Management, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 195 (2015) 1288 – 1294,
- Fernandes, C., Ferreira, J., & Raposo, M. (2013). Drivers to firm innovation and their effects on performance: an international comparison., 9 *International Entrepreneurship and Management Journal* (4), 557–580.
- Ferreira, J. J., Ratten, V., & Dana, L. P. (2017). Knowledge spillover-based strategic entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 13(1), 161–167.
- Ghio, N., Guerini, M., Lehmann, E. E., & Rossi-Lamastra, C. (2015). The emergence of the knowledge spillover theory of entrepreneurship. *Small Business Economics*, 44(1), 1–18.
- Giovannetti, E., & Piga, C. A. (2017). The contrasting effects of active and passive cooperation on innovation and productivity: evidence from British local innovation networks. *International Journal of Production Economics*, 187, 102–112.
- Hall, B. H., & Sena, V. (2017). Appropriability mechanisms, innovation, and productivity: Evidence from the UK. *Economics of Innovation and New Technology*, 26(1–2), 42–62.
- Hayter, C. S. (2013). Conceptualizing knowledge-based entrepreneurship networks: perspectives from the literature. *Small Business Economics*, 899–911.
- Hitt, M.A. Bierman, L., Shimizu, K & Kochhar, R., (2001). Direct and moderating effects of human capital on strategy and performance in professional service firms: A resource-based perspective. *Academy of Management Journal*, 44(1), pp.13-28.
- Hoffman, R., & Yeh, C. (2018). *Blitzscaling: the lightning fast path to building massively valuable companies*. New York: Currency Books.
- Islam, A., Li, W., Johnson, K., & Lauchande, P. (2020). How far has the integrated care come? Applying an asymmetric lens to interorganisation trust amongst health and social care organization. *International entrepreneurship and management journal* 16:373–385.
- Jansen, J.J.P., & Roelofsens, O. (2018). *Focus today on the growth of tomorrow*. Whitepaper. Nl-groeit, March 2018.
- Khalil, S. & Khalil, C. (2020). Exploring knowledge Management in Agile Software Development Organizations. *International entrepreneurship and management journal*, 16:373–385.
- Khalil, S., & Belitski, M. (2020). Dynamic capabilities for firm performance under the information technology governance framework. *European Business Review* ISSN: 0955-534X.
- Kuratko, D. F., Holt, H. L., & Neubert, E. (2020). Blitzscaling: the good, the bad, and the ugly. *Business Horizons*, 63(11), 109–119.

- Li, W., Liu, K., Belitski, M., Ghobadian, A., & O'Regan, N. (2016). E-leadership through strategic alignment: an empirical study of small-and medium-sized enterprises in the digital age. *Journal of Information Technology*, 31(2), 185–206.
- Lin, H.F., Lee, G.G., (2007), Knowledge Sharing and Firm Innovation Capability an Empirical Study, *International Journal of Manpower*, Vol.28, No.3/4, p.174.
- Link, A. N. & Scott, J. T. (2019). The economic benefits of technology transfer from US federal laboratories. *The Journal of Technology Transfer*, 1–11.
- Link, A. N., Siegel, D. S., & Bozeman, B. (2017). An empirical analysis of the propensity of academics to engage in formal university technology transfer
- McKelvie, A., & Wiklund, J. (2010). Advancing firm growth research: a focus on growth mode instead of growth rate. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(2), 261–288.
- Mickiewicz, T., Nyakudya, F. W., Theodorakopoulos, N., & Hart, M. (2017). Resource endowment and opportunity cost effects along the stages of entrepreneurship. *Small Business Economics*, 48(4), 953–976.
- Rensburg, Deryck J van. (2013). Is Strategic Entrepreneurship a Pleonasm?, *Journal of Management and Strategy*, Vol. 4, No. 1;PP. 15- 27
- Ritala, P., Olander, H., Michailova, S., & Husted, K. (2015). Knowledge sharing, knowledge leaking and relative innovation performance: an empirical study. *Technovation*, 35, 22–31.
- Romer, P. M. (1994). The origins of endogenous growth. *The Journal of Economic Perspectives*, 8(1), 3–22.
- Roper, S., Love, J. H., & Bonner, K. (2017). Firms' knowledge search and local knowledge externalities in innovation performance. *Research Policy*, 46(1), 43–56.
- Tavassoli, S., Bengtsson, L., & Karlsson, C. (2017). Strategic entrepreneurship and knowledge spillovers: Spatial and aspatial perspectives. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 13(1), 233– 249.
- Veugelers, R., & Schneider, C. (2018). Which IP strategies do young highly innovative firms choose? *Small Business Economics*, 50(1), 113–129.
- Volpeol, G. D. (2016). “Encouraging Organizations to Innovate and Create Value”. *Journal of Knowledge Management*, Vol. 1, no. 5, pp. 68-75.
- Welter, F., Baker, T., & Wirsching, K. (2019). Three waves and counting: the rising tide of contextualization in entrepreneurship research. *Small Business Economics*, 52(2), 319–330.
- West, J., & Bogers, M. (2014). Leveraging external sources of innovation: A review of research on open innovation. *Journal of Product Innovation Management*, 31(4), 814–831.

